

تأثیر آموزش حقوق متقابل والد - فرزند از دیدگاه آموزه‌های اسلامی بر کاهش تعارضات والد - فرزند

طاهره جباری^۱

معصومه اسمعیلی^۲

آتوسا کلانتر هرمزی^۳

تاریخ پذیرش: ۹۳/۴/۱۴

تاریخ وصول: ۹۲/۱۲/۱۲

چکیده

هدف: پژوهش حاضر به منظور بررسی تأثیر آگاهی از حقوق متقابل والد - فرزند از دیدگاه آموزه‌های اسلامی بر کاهش تعارضات والد^۱ فرزند (مادر - دختر) در نوجوانان انجام گرفته است. روش: روش پژوهش تجربی و طرح تحقیق از نوع پیش آزمون - پس آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری این پژوهش، دانش آموزان دختر مقطع متوسطه شهرستان گرگان در سال تحصیلی ۱۳۹۱-۱۳۹۲ بودند. نمونه مورد پژوهش که شامل ۲۴ نفر (۸ نفر والدین، ۸ نفر فرزندان همان والدین به عنوان گروه‌های آزمایش و ۸ نفر فرزند به عنوان گروه کنترل) بودند به صورت تصادفی در گروه‌های آزمایش و کنترل جایگزین شدند. در این پژوهش براساس تعالیم و آموزه‌های اسلامی حقوقی که هر یک از اعضای خانواده نسبت به یکدیگر دارند در طی ۶ جلسه به شیوه گروهی به گروه‌های آزمایش به صورت جداگانه آموزش داده شد. ابزار سنجش، پرسشنامه تاکتیک‌های تعارض مورای - اشتراک فرم تعارض با والدین بود که از فرزندان پیش آزمون و پس آزمون گرفته شد. در این پژوهش از آزمون تحلیل کوواریانس جهت آزمون اختلاف میانگین‌های گروه‌ها استفاده گردید. یافته‌ها: نتایج نشان داد که آموزش آگاهی از حقوق والد - فرزند به والدین و فرزندانشان در افزایش مهارت استدلال، کاهش پرخاشگری کلامی و کاهش تعارضات فرزندان در ارتباط با والدین مؤثر بوده است.

jabbari.tahere67@yahoo.com

۱- کارشناس ارشد مشاوره مدرسه دانشگاه علامه طباطبائی

۲- دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی masesmaeil@yahoo.com

۳- استادیار دانشگاه علامه طباطبائی At.kalantar@yahoo.com

واژگان کلیدی: تعارض، حقوق متقابل والد ° فرزند، روابط والد ° فرزند، نوجوان.

مقدمه

خانواده یکی از نهادهای اجتماعی است که اساس حیات اجتماعی بشر را تشکیل می‌دهد و از مهمترین وظایف آن فرزندآوری و پرورش فرزندان است. این نهاد مناسب‌ترین نظام برای تامین نیازهای مادی، روانی و معنوی بشر بوده و بهترین بستر را برای تأمین امنیت و آرامش روانی اعضا، پرورش نسل جدید و اجتماعی کردن فرزندان و برآورده ساختن نیازهای عاطفی فراهم نموده است. با این حال در عصر حاضر نظام خانواده دچار مشکلات و چالش‌های اساسی گردیده که حتی گاه اساس و تمامیت آن نیز زیر سؤال رفته است (سالاری فر، ۱۳۸۵). یکی از مشکلاتی که گاهی اوقات خانواده‌ها در هنگام پرورش فرزندان با آن مواجه می‌شوند، نافرمانی و مخالفت فرزندان با خواسته‌های والدین شان است که معمولاً در سنین نوجوانی رخ می‌دهد. نوجوانی دوره انتقالی است که در آن فرد از امنیت کودکی به سوی مسئولیت پذیری و امتیازات بزرگسالی حرکت می‌کند (موگلا، ۲۰۰۹). تلاش فزاینده نوجوان برای استقلال و خودمختاری می‌تواند دلیلی برای افزایش موقتی تعارض والد- فرزند^۲ در طول دوره نوجوانی باشد. این تعارض عمدتاً نتیجه ناهمگونی انتظارات والدین و فرزندان در ارتباط با رفتار مناسب و تنظیم تحولاتی است که در زمینه اختیارات و مسئولیت‌ها ایجاد می‌شود (برانجی، دورن، والک^۳، ۲۰۰۹) در واقع تعارض به کشمکش و ناسازگاری جهت رسیدن به توافق در انتظارات اشاره دارد (کیم^۴، ۲۰۱۱). تعارض اغلب بخشی از زندگی خانوادگی است و بیشتر خانواده‌ها تجارب ناسازگاری را در طول زندگی دارند (وان ریزین، استرومشاک، دیشیون^۵، ۲۰۱۱) افراد

-
1. Moglar
 2. parent- child conflict
 3. Branje& Doorn&Valk
 4. Kim
 5. Van Ryzin& Stromshak&Dishion

عمدتاً تعارض را زمانی تجربه می کنند که نیازها، غرایز و امیال آنها برآورده نمی شود (کرآپ، دیسیورک، ییدوگلو^۱، ۲۰۰۹) ارزش ها، انتظارات، حقوق منحصر به فرد و تجارب متفاوت هر فرد باعث ایجاد تعارض می شود (علی^۲، ن، م، ۲۰۱۰). بعضی از پژوهش ها نشان می دهد، ۵ سبک حل تعارض (رقابت، اجتناب، نرمش، مصالحه، همکاری) در افراد وجود دارد (کرآپ و همکاران، ۲۰۰۹).

تعارض در خانواده می تواند مخرب و یا سازنده باشد. تعارض زمانی مخرب است که منجر به افسردگی در والدین و فرزندان، خشونت و آشفتگی اجتماعی، عزت نفس پایین فرزندان، و کاهش سازگاری فرزندان در مدرسه می شود (علی، ن، م، ۲۰۱۰) علاوه بر این تعارض می تواند جنبه مثبت نیز داشته باشد در جایی که به افراد خانواده کمک می کند خودشان را بشناسند و آگاهی شان را در زمینه ویژگی های متفاوت دیگران بالا ببرند و مشکلات ارتباطی در روابط را بشناسند و انرژی و انگیزه خود را در جهت حل آنها تقویت کنند (کرآپ و همکاران، ۲۰۰۹). مدیریت ناکافی تعارض در خانواده می تواند منجر به نتایج مخربی باشد. زمانی که اعضای خانواده، طرز فکر و تجارب منفی (مانند درگیری، استرس و ناتوانی از حرکت رو به جلو) را به تجارب مثبت (مانند بحث آرام و توانایی حرکت به سمت جلو) تبدیل کنند، می توانند، تعارض را به درستی مدیریت کنند (علی، ن، م، ۲۰۱۰). یکی از راه های کارآمدی خانواده آشنایی با حقوق، وظایف و شفافیت حدود و انتظارات الزامی و غیرالزامی هریک از افراد خانواده است، زیرا بسیاری از ناسازگاری هایی که کارآمدی خانواده را به خطر می اندازد و استحکام آن را سست می کند ریشه در عدم رعایت حقوق و قدر ناشناسی افراد خانواده است (صفورایی، ۱۳۸۹).

نگاه اسلام به خانواده براساس حقوق متقابل زن و مرد و فرزندان تعریف می شود. اسلام، از یک جنس خاص، حمایت نمی کند؛ بلکه همه افراد نسبت به یکدیگر حق و تکلیف مشخصی

1. Kiralp&Dincyurk&Beidoglu
2. Ali , N. M

دارند. در حالی که در غرب، تأکید بر جنسیت و اصالت فرد است و منافع شخص در اولویت است و این نگاه غرب به خانواده موجب مسائل و مشکلات زیادی در جوامع آنان گردیده است (روح افزا، ۱۳۹۰). تعالیم اسلام دربارهٔ چگونگی روابط اعضای خانواده و به عبارتی حقوق و مسئولیت‌های متقابل آنها، توصیه‌های الزامی و اخلاقی فراوانی دارد. رعایت حقوق متقابل والدین و فرزندان، علاوه بر اینکه یک فرمان الهی و امری تشریحی است، به صورت یک قانون تکوینی در نهاد همه انسان‌ها وجود دارد. در فرهنگ متعالی اسلام در مرتبه اول حقوق و وظایفی برای والدین در مقابل نسل جوان و در مرتبه دوم وظایف و مسئولیت‌هایی نیز برای فرزندان در قبال والدین منظور شده است (پاک نیا، ۱۳۸۲). ازدیدگاه فرهنگ تربیتی اسلام لازم است والدین - که مهم‌ترین نقش‌آفرینان در حوزه تربیت نسل جدید محسوب می‌شوند و مسئولیت سنگین آن را بر عهده گرفته‌اند - با بهره‌گیری از روش‌های صحیح و اطمینان بخش و با رعایت حقوقی که دین مبین اسلام معین کرده فرزندان خویش را در امر تربیت یاری و برای پرورش خلاقیت‌های فرزندان و شکوفایی استعدادهای خدادادی آنان به حقوق اساسی فرزندانشان توجه کنند (سالاری فر، ۱۳۸۵).

رعایت حقوق و وظایفی که اسلام برای افراد تعیین کرده است، امر مهمی است که والدین و فرزندان در چارچوب روابط خانواده سخت به آن نیاز دارند. این در حالیست که ما با وجود اینکه در جامعه اسلامی قرار داریم کمتر شاهد آن هستیم. از این رو آموزش آگاهی از این حقوق و وظایف و رعایت آن، جهت بهبود روابط در نظام خانواده از مهم‌ترین اقداماتی است که می‌توان در مسیر کمک به والدین و فرزندان آن‌ها انجام داد.

در بررسی‌هایی که توسط کوپر، بیکر، پلی چار و ولش^۱ (۱۹۹۴) و ساراسواتی و پی^۲ (۱۹۹۳) انجام گرفت، نتایج نشان داد، در جوامعی که کمتر افراد فردگرا هستند، روابط والد-

1. Cooper, C.R & Polichar, C & Welsh, A

2. Sara swathi, S.T

نوجوان حول موضوع‌هایی از قبیل انجام وظیفه، مسئولیت و احترام به بزرگترها دور می‌زند (برجلی، ۱۳۸۴). در پژوهش لیجتن^۱ و همکاران (۲۰۱۲) با عنوان اثرات آموزش والدین (برنامه گفتگو والدین و فرزندان، PCTT^۲)، نتایج نشان داد، PCTT ارتباط بین والدین و فرزندان و مهارت‌های حل مسئله را در موقعیت‌های تعارض بهبود می‌بخشد. در پژوهش ترنر، ریچارد و سندر^۳ (۲۰۰۷) انجام برنامه آموزشی والدین در مورد تعدادی از خانواده‌های بومی استرالیا باعث رشد سازگاری و کاهش مشکلات در خانواده شد و آموزش والدین به آنها کمک کرد تا در برخورد با فرزندان خود اقدامات مناسبی انجام دهند. وان دورن و همکاران^۴ (۲۰۰۸) به بررسی رابطه بین شیوه‌های حل تعارض در روابط والد-فرزند و بزهکاری نوجوانان پرداختند. در الگوهای اجتماعی حل مشکل سه نوع شیوه حل تعارض شناسایی شده است: الف) شیوه سازنده که نمونه‌هایی از آن شامل سازش و گفتگو است. ب) شیوه غیرسازنده که شامل خشم، دفاعی بودن یا حمله و از دست دادن کنترل خود است. ج) الگوی اجتنابی که شامل اجتناب از صحبت کردن و کنار کشیدن است. در این مطالعه ۲۴۸ نوجوان به همراه پدر و مادرشان شرکت کردند که پرسش‌نامه‌های تعارضات بین فردی، عواطف مربوط به تعارض و شیوه‌های حل تعارض را به صورت‌های جداگانه پرکردند. نتایج نشان داد در رابطه پدر-نوجوان، الگوهای اجتنابی باعث بزهکاری در نوجوانان می‌شود و در رابطه مادر-نوجوان شیوه غیرسازنده با بزهکاری در نوجوان در ارتباط است. بابا پور خیرالدین (۱۳۸۵) در پژوهش خود نشان داد که شیوه حل تعارض از نوع همراهانه و مصالحه‌گرایانه با سلامت روان‌شناختی رابطه مثبت دارد. سپهری و پاکدامن (۱۳۸۹)، نشان دادند که گفت و شنود بالا بیشتر اوقات با شیوه کارآمد مؤتلفانه در حل تعارض همراه می‌شود، در حالی که هم‌نواپی بالا اغلب شیوه‌های ناکارآمد سلطه

-
1. Lejten
 2. program parents and children talking together.
 3. Turner & Richard & Sander.
 4. Van doorn, M.D

گرایانه و اجتنابی را پیش‌بینی می‌کند. اولوس^۱ (۱۹۹۳) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که نوجوانان پرخاشگر معمولاً توان مهار رفتار خود را ندارند و در خواندن نشانه‌های هیجانی درک دیدگاه‌های مقابل و مدیریت خشم مشکل دارند. سماتانا^۲ (۱۹۹۵) دریافت که قدرت والدین و شیوه‌های فرزندپروری در میزان و شدت تعارض والد-فرزند نوجوان است. پژوهش توصیفی صفورایی (۱۳۸۹) با عنوان نقش حقوق در کارآمدی خانواده از دیدگاه اسلام با هدف شناسایی حقوق اعضای خانواده براساس دین اسلام و نقش و تأثیر آن در کارآمدی خانواده، نتایج پژوهش نشان داد که منابع دینی برای هر یک از اعضای خانواده حقوقی را وضع، و در مقابل این حقوق، وظایفی نیز برای طرف مقابل معین کرده است. براساس منابع دینی، رعایت حق و انجام وظیفه در کنار هم تأمین‌کننده کارآمدی خانواده است. برای حل تعارض و بهبود روابط بین والدین و نوجوانان نیاز به اقدامات پیشگیرانه و برنامه مداخله‌ای است که بتواند به طور مؤثر به خانواده‌ها و به والدین و نوجوانان برای بهبود رابطه و کاهش مشکلات سازگاری کمک کند چنانچه راه‌های مقابله‌ای مفیدی به کار گرفته شد، به رشد رابطه کمک می‌کند، ولی اگر طرفین درگیر در تعارض، نحوه برخورد صحیح را ندانند، نه تنها تعارض حل نمی‌شود، بلکه به تداوم رابطه هم آسیب می‌زند. برای حل تعارض از روش‌های مختلفی استفاده می‌شود (گیتی پسند و همکاران، ۱۳۸۷). در تمام جوامع، خانواده نماینده و مظهر اخلاق عمومی است و آنچه در خانواده باید به وجود آید عشق، مهربانی، حسن نیت و اعتماد متقابل است و دستیابی به این امر با فردگرایی که از مظاهر فرهنگ رقیب است به دست نمی‌آید. در مقابل دین اسلام برای پیش‌گیری از کم‌رنگ شدن روابط صمیمانه و یا از بین رفتن کانون خانواده و روابط خانوادگی و برای روز افزون کردن کارآمدی خانواده حقوقی را برای هر یک از اعضای خانواده مشخص کرده است و افراد را ملزم به رعایت حقوق و وظایف یکدیگر می‌کند. در مکتب غنی اسلام، مسئله حقوق متقابل انسان‌ها و به ویژه حقوق متقابل اعضای خانواده مورد توجه جدی قرار

1. Olweus, D.

2. Smetana, J.

گرفته است و برای آن در تمامی مراحل و تمام اعضا که شامل شوهر، همسر و فرزندان می‌شود، قوانین لازم وضع شده است. رعایت حقوق نه تنها عامل استحکام و کارآمدی خانواده است، بلکه خداوند در مقابل انجام وظایف و رعایت حقوق به انسان‌ها پاداش می‌دهد و آن را جزء عبادات می‌شمارد. بررسی نتایج پژوهش‌هایی که در زمینه خانواده در مراکز علمی-پژوهشی انجام شده است، نشان می‌دهد بیشتر پژوهش‌ها به بررسی موضوع اثربخشی رعایت حقوق در رضایت زناشویی و یا رضایتمندی خانوادگی پرداختند. بسیاری از این پژوهش‌ها یا از منابع دینی بی‌بهره‌اند و یا اگر براساس منابع دینی انجام شده باشند، از تحلیل روان‌شناختی برخوردار نیستند (صفورایی، ۱۳۸۹).

در این پژوهش، آموزش حقوق اعضای خانواده در چارچوب آموزه‌های اسلام در طی شش جلسه جداگانه برای والدین و فرزندان به مرحله اجرا گذاشته شده و موارد زیر را شامل می‌شود: بحث اثرات ارتباط مناسب و بیان روایات و داستان‌هایی از چگونگی ارتباط اهل بیت (ع) در خانواده، ارزش دنیا از نگاه والدین و فرزندان، تعیین حقوق برای اعضای خانواده از نگاه والدین و فرزندان، بحث حقوق متقابل والدین و فرزندان در آموزه‌های اسلامی و تعیین حقوقی (تکلیفی، عاطفی) که برای هر یک از اعضای خانواده در اسلام مشخص شده است. محتوی جلسات با توجه به آموزه‌های اسلامی و سیره اهل بیت تدوین شده است. جلسات به صورتی اجرا می‌شود که هر جلسه مطالب مورد بحث در قالب گفتگو و بیان مطالب از طریق اعضای گروه و جمع بندی اطلاعات از آنها به صورت عملیاتی بیان می‌شود و سپس به طرح مواردی که از جانب آنها مطرح نشده در قالب زیر آستانه‌ای (یعنی به گونه‌ای که از گفته‌های آنها استخراج شود) پرداخته می‌شود. با توجه به تأثیر رعایت حقوق متقابل در بهبود روابط اعضای خانواده پیش بینی می‌شود رویکرد حاضر منجر به کاهش تعارضات والد-فرزندی، ارتقای مهارت استدلال و کاهش پرخاشگری کلامی و فیزیکی در نوجوانان دختر گردد.

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اصلی

آموزش آگاهی از حقوق متقابل والد- فرزند از دیدگاه آموزه‌های اسلامی بر کاهش تعارضات والد- فرزندی در نوجوانان دختر مؤثر است.

فرضیه‌های فرعی

- ۱- آموزش آگاهی از حقوق متقابل والد- فرزند از دیدگاه آموزه‌های اسلامی بر افزایش مهارت استدلال در نوجوانان دختر مؤثر است.
- ۲- آموزش آگاهی از حقوق متقابل والد- فرزند از دیدگاه آموزه‌های اسلامی بر کاهش پرخاشگری کلامی در نوجوانان دختر مؤثر است.
- ۳- آموزش آگاهی از حقوق متقابل والد- فرزند از دیدگاه آموزه‌های اسلامی بر کاهش پرخاشگری فیزیکی در نوجوانان دختر مؤثر است.

روش پژوهش

جامعه آماری این پژوهش، دانش‌آموزان دختر مقطع اول متوسطه شهرستان گرگان در سال تحصیلی ۱۳۹۱-۱۳۹۲ و همچنین والدین آنها است. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری تصادفی، جهت انتخاب نمونه استفاده شده است. به این ترتیب که در شهرستان گرگان با مراجعه به دایره آموزش متوسطه، از بین مدارس متوسطه دخترانه یک مدرسه انتخاب شد. سپس از طریق فراخوان و حضور پژوهشگر در کلاس‌ها و توضیح موضوع جلسات، از میان داوطلبانی که ثبت نام نموده، ۱۶ نفر انتخاب و با استفاده از روش تصادفی در دو گروه ۸ نفری قرار داده شدند. به همین روش یکی از گروه‌ها به عنوان گروه آزمایش انتخاب گردید. والدین این گروه آزمایش نیز به عنوان گروه آزمایش دیگر انتخاب شدند. اعضای گروه‌های آزمایش (۸ نفر دانش‌آموز و ۸ نفر مادران آنها)، طی ۶ جلسه، هفته‌ای یکبار، به مدت ۱/۵ ساعت آموزش حقوق متقابل را از دیدگاه آموزه‌های اسلامی جهت کاهش تعارضات والد- فرزندی دریافت نمودند و در پایان از دو گروه، پس آزمون به عمل آمد.

ابزار اندازه گیری

ابزار تحقیق در این پژوهش، (مقیاس راهبردهای تعارض)^۱ است و این پرسشنامه دارای ۱۵ سؤال است که سه راهبرد حل تعارض: استدلال، پرخاشگری کلامی و پرخاشگری فیزیکی را می‌سنجد و توسط موری ای. اشتراس^۲ تهیه شده است. این مقیاس دارای ۳ فرم است: تعارض با برادر یا خواهر، تعارض با والدین و تعارض با پدر و مادر. در فرم تعارض با والدین که در این پژوهش به کار رفته است، پنج سؤال اول پرسشنامه، استدلال؛ پنج سؤال دوم، پرخاشگری کلامی و پنج سؤال سوم پرسشنامه، پرخاشگری فیزیکی را می‌سنجد. نمره کل نیز به سطح تعارضات موجود اشاره دارد (ثنایی ذاکر، ۱۳۷۹). پژوهش‌های متعددی، همسانی دورنی خرده مقیاس‌های استدلال، پرخاشگری کلامی و پرخاشگری فیزیکی را تأیید می‌نماید. دامنه ضریب آلفای کرونباخ مقیاس استدلال بین ۴۲٪ تا ۷۶٪، مقیاس پرخاشگری کلامی بین ۶۲٪ تا ۸۸٪ و برای خرده مقیاس پرخاشگری فیزیکی بین ۴۲٪ تا ۹۶٪ به دست آمده است (ثنایی ذاکر، ۱۳۷۹).

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش، از طریق تحلیل کوواریانس تجزیه و تحلیل شده است. فرضیه اصلی: آموزش آگاهی از حقوق متقابل والد-فرزند از دیدگاه آموزه‌های اسلامی بر کاهش تعارضات والد-فرزند مؤثر است.

1. Conflict Tactics Scales (CT)
2. Murray A , Straus

جدول ۱. نتایج تحلیل کواریانس در مورد فرضیه اول با کنترل اثر پیش آزمون

شاخص	مجموع	درجات	میانگین	F	سطح	اندازه	توان
منابع تغییرات	مجذورات	آزادی	مجذورات		معناداری	اثر	آزمون
اثر همپراش	۱۳۷۴۷,۵۶۳	۱	۱۳۷۴۷,۵۶۳	۴۱۵۰,۲۰۸	۰/۰۰	۰.۹۹۷	۱,۰۰۰
اثر گروه	۱۴۶۳,۰۶۳	۱	۱۴۶۳,۰۶۳	۴۴۱,۶۷۹	۰/۰۰	۰.۹۶۹	۱,۰۰۰
خطا	۴۶,۳۷۵	۱۴	۳,۳۱۳				
کل تصحیح شده	۱۵۲۵۷,۰	۱۶					

با توجه به داده‌های جدول فوق چون مقدار F با درجات آزادی ($df=1$ و $df=28$) در سطح معناداری ($\alpha=0/05$) معنادار است، بنابراین فرض صفر رد و فرض تحقیق با 95% اطمینان تأیید می‌گردد. و چون مقایسه میانگین گروه کنترل و گروه آزمایش براساس نتایج آزمون تعقیبی شفه در مرحله پس آزمون نشان دهنده کاهش نمرات افراد گروه آزمایش در مقایسه با گروه کنترل می‌باشد، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که آموزش آگاهی از حقوق متقابل والد-فرزند از دیدگاه آموزه‌های اسلامی بر کاهش تعارضات والد-فرزند مؤثر است. براساس ضرایب استاندارد میزان تأثیر آموزش آگاهی از حقوق متقابل والد-فرزند از دیدگاه آموزه‌های اسلامی بر کاهش تعارضات والد-فرزند به میزان $96/9\%$ درصد می‌باشد. فرضیه فرعی اول: آموزش آگاهی از حقوق متقابل والد-فرزند از دیدگاه آموزه‌های اسلامی بر کاهش تعارضات در زیر مؤلفه استدلال والد-فرزند مؤثر است.

جدول ۲. نتایج تحلیل کواریانس در مورد فرضیه اول فرعی با کنترل اثر پیش آزمون

شاخص	مجموع	درجات	میانگین	F	سطح	اندازه	توان
منابع تغییرات	مجذورات	آزادی	مجذورات		معناداری	اثر	آزمون
اثر همپراش	۳۶۹۰,۵۶۳	۱	۳۶۹۰,۵۶۳	۱۲۱۹,۳۰۱	۰/۰۰	۰.۹۸۹	۱,۰۰۰
اثر گروه	۵۶۴,۰۶۳	۱	۵۶۴,۰۶۳	۱۸۹,۳۵۷	۰/۰۰	۰.۹۳۰	۱,۰۰۰
خطا	۴۲,۳۷۵	۱۴	۳,۰۲۷				
کل تصحیح شده	۴۲۹۷,۰۰	۱۶					

با توجه به داده‌های جدول فوق چون مقدار F با درجات آزادی (df = ۱ و df = ۲۸) در سطح معناداری ۰/۰۵ = معنادار است. بنابراین فرض صفر رد و فرض تحقیق با ۹۵٪ اطمینان تأیید می‌گردد. و چون مقایسه میانگین گروه کنترل و گروه آزمایش براساس نتایج آزمون تعقیبی شفه در مرحله پس آزمون نشان‌دهنده کاهش نمرات افراد گروه آزمایش در مقایسه با گروه کنترل می‌باشد، بنابر این می‌توان نتیجه گرفت که آموزش آگاهی از حقوق متقابل والد-فرزند از دیدگاه آموزه‌های اسلامی بر کاهش تعارضات در زیر مؤلفه استدلال والد-فرزند مؤثر است. براساس ضرایب استاندارد میزان تاثیر آموزش آگاهی از حقوق متقابل والد-فرزند از دیدگاه آموزه‌های اسلامی بر کاهش تعارضات در زیر مؤلفه استدلال والد-فرزند به میزان ۹۳ درصد می‌باشد.

فرضیه فرعی دوم: آموزش آگاهی از حقوق متقابل والد-فرزند از دیدگاه آموزه‌های اسلامی بر کاهش تعارضات در زیر مؤلفه پر خاشگیری کلامی والد-فرزند مؤثر است.

جدول ۳. نتایج تحلیل کواریانس در مورد فرضیه دوم فرعی با کنترل اثر پیش آزمون

شاخص	مجموع	درجات	میانگین	F	سطح	اندازه	توان
منابع تغییرات	مجذورات	آزادی	مجذورات		معناداری	اثر	آزمون
اثر همپراش	۹۱۵,۰۶۳	۱	۹۱۵,۰۶۳	۷۱۶,۶۹۲	۰,۰۰	۰,۹۸۱	۱,۰۰۰
اثر گروه	۶۸,۰۶۳	۱	۶۸,۰۶۳	۵۳,۳۰۸	۰,۰۰	۰,۷۹۲	۱,۰۰
خطا	۱۷,۸۷۵	۱۴	۱,۲۷۷				
کل تصحیح شده	۱۰۰۱,۰۰	۱۶					

با توجه به داده‌های جدول فوق چون مقدار F با درجات آزادی (df = ۲۸ و df = ۱) در سطح معناداری (0/05 =) معنادار است. بنا بر این فرض صفر رد و فرض تحقیق با ۹۵٪ اطمینان تأیید می‌گردد. و چون مقایسه میانگین گروه کنترل و گروه آزمایش بر اساس نتایج آزمون تعقیبی شفه در مرحله پس آزمون نشان دهنده کاهش نمرات افراد گروه‌های آزمایش در مقایسه با گروه کنترل می‌باشد، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که آموزش آگاهی از حقوق متقابل والد- فرزند از دیدگاه آموزه‌های اسلامی بر کاهش تعارضات در زیر مؤلفه پر خاشگری کلامی والد- فرزند مؤثر است. بر اساس ضرایب استاندارد میزان تأثیر آموزش آگاهی از حقوق متقابل والد- فرزند از دیدگاه آموزه‌های اسلامی بر کاهش تعارضات در زیر مؤلفه پر خاشگری کلامی والد- فرزند به میزان ۷۹/۲ درصد می‌باشد.

فرضیه فرعی سوم: آموزش آگاهی از حقوق متقابل والد- فرزند از دیدگاه آموزه‌های اسلامی بر کاهش تعارضات در زیر مؤلفه پر خاشگری فیزیکی والد- فرزند مؤثر است.

جدول ۴. نتایج تحلیل کواریانس در مورد فرضیه سوم فرعی با کنترل اثر پیش آزمون

شاخص	مجموع	درجات	میانگین	F	سطح	اندازه	توان
منابع تغییرات	مجذورات	آزادی	مجذورات		معناداری	اثر	آزمون
اثر همپراش	۶۸۹,۰۶۳	۱	۶۸۹,۰۶۳	۸۸۷,۰۶۹	۰,۰۰	۰,۹۸۴	۱,۰۰۰
اثر گروه	۳۹,۰۶۳	۱	۳۹,۰۶۳	۵۰,۲۸۷	۰/۰۰	۰,۷۸۲	۱,۰۰۰
خطا	۱۰,۸۷۵	۱۴	۰,۷۷۷				
کل تصحیح شده	۷۳۹,۰۰۰	۱۶					

باتوجه به داده‌های جدول فوق چون مقدار F با درجات آزادی (df = ۲۸ و df = ۱) در سطح معناداری (۰/۰۵ =) معنادار است، بنابراین فرض صفر رد و فرض تحقیق با ۹۵٪ اطمینان تأیید می‌گردد. و چون مقایسه میانگین گروه کنترل و گروه آزمایش براساس نتایج آزمون تعقیبی شفه در مرحله پس آزمون نشان دهنده کاهش نمرات افراد گروه آزمایش در مقایسه با گروه کنترل می‌باشد، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که آموزش آگاهی از حقوق متقابل والد-فرزند از دیدگاه آموزه‌های اسلامی بر کاهش تعارضات در زیر مؤلفه پر خاشگری فیزیکی والد-فرزند مؤثر است. بر اساس ضرایب استاندارد میزان تأثیر آموزش آگاهی از حقوق متقابل والد-فرزند از دیدگاه آموزه‌های اسلامی بر کاهش تعارضات در زیر مؤلفه پر خاشگری فیزیکی والد-فرزند به میزان ۷۸/۲ درصد می‌باشد.

بحث و نتیجه گیری

فرضیه: آموزش آگاهی از حقوق متقابل والد-فرزند از دیدگاه آموزه‌های اسلامی بر کاهش تعارضات والد-فرزندی در نوجوانان دختر مؤثر است. براساس نتایج به دست آمده؛ آموزش حقوق از دیدگاه آموزه‌های اسلامی در گروه آزمایش والد-فرزند تفاوت معناداری با گروه کنترل دارد و فرضیه اول تأیید می‌شود.

تفسیر و تبیین: در دنیای معاصر وقتی از نوجوان و خانواده صحبت می‌شود، تصویر به خصوصی در ذهن اکثر مردم تداعی می‌شود. مثل اینکه نوجوان بیشترین اوقات خود را با

دوستان سپری می‌کند، در مقابل خواسته‌های والدین مقاومت می‌ورزد و هر نوع مداخله والدین در امور زندگی خویش را تهدید به استقلال خود می‌بیند. می‌توان گفت که تعارض در اثر ارتباط نادرست پدید می‌آید. با وجود این کمی تعارض گهگاه از این جهت که باعث تجدید بنای اصول اساسی بین والدین و فرزندان می‌شود و در بعضی موارد اعضای خانواده را به هم نزدیک‌تر می‌کند، سودمند است و به عبارتی تعارض می‌تواند مسیرهای تغییر را بگشاید و فرصت‌هایی برای طرفین درگیر در تعارض فراهم آورد برطبق نظریه روابط انسانی وجود تعارض در گروه‌ها یک امر طبیعی است و توصیه می‌شود که موجودیت آن را پذیریم. برای حل تعارض والدین و نوجوانان روش‌های متعددی موجود است از جمله: حل مسئله یا مشکل‌گشایی، مذاکره و یا به عبارت بهتر به کارگیری مهارت‌های گفتگو برای رسیدن به توافق، مهارت‌های ارتباطی به عنوان شیوه‌های در جهت حل تعارض و کنترل آن، که به عنوان شیوه‌های برای حل تعارض به کار می‌رود (لطفی، ۱۳۸۵). همان‌طور که اشاره شد بسیاری از پژوهش‌ها به ۵ سبک رایج در حل تعارض اشاره دارند که عبارتند از: اجتناب، رقابت، نرمش، مصالحه، همکاری و گفتگو. شیوه‌هایی که افراد برای حل تعارض انتخاب می‌کنند می‌تواند تعیین کند که روابط افراد درست است و یا اینکه ارتباط با مشکل مواجه است (کرآپ و همکاران، ۲۰۰۹). بررسی‌ها نشان داده‌اند که برخی از شیوه‌های حل تعارض با سلامت روانی همراه است. برای مثال حل تعارض خدمت‌گرایانه و مسئله‌گرایانه با سلامت روان‌شناختی رابطه مثبت دارد (باباپور خیرالدین، ۱۳۸۵). بیشتر تعارض‌هایی که در خانواده بین نوجوان و والدین به وجود می‌آید ناشی از مهارت‌های ناکافی در امر مذاکره و گفتگو بین اعضای خانواده، عدم توافق به قواعد و مسئولیت‌ها، ارزش‌ها و مهارت‌های ضعیف در حل مسئله، مهارت‌های ارتباطی ضعیف، دریافت‌های شناختی تحریف شده، ضعف در توانایی درک دیگران، عدم مهارت کافی در کنترل خشم، ضعف در مهارت‌های تصمیم‌گیری و جرأت‌ورزی است (زارب، ۱۳۸۳). متون اسلامی در زمینه رفع اختلافات در خانواده اشاره به روابط عاطفی والدین با فرزندان دارد و در این جهت توصیه‌هایی در دو بعد روابط کلامی و غیر کلامی به والدین کرده

است تا با عمل به آنها سلامت روانی فرزندان حتی المقدور تأمین شود. روانشناسان بر تأمین نیازهای عاطفی فرزندان بسیار تأکید دارند، و جالب‌ترین توصیه آنها توجه عاطفی مثبت و بی‌قید و شرط والدین به فرزندان است که عامل مهمی در سلامت روانی آنها در طول زندگی به شمار می‌رود. اولیای دین (ع) در باب روابط عاطفی والدین با فرزندان توصیه‌هایی به شرح ذیل دارند: گفتگوی مهربانه و دلسوزانه با فرزندان؛ نگاه مهربانانه به آنها و دست کشیدن بر سرشان، بوسیدن و در آغوش کشیدن فرزند که والدین در مقابل هر بوسه به فرزند، درجه‌ای در بهشت کسب می‌کنند؛ بازی با فرزندان؛ برخورد صمیمانه و دوری از ابراز خشم و عواطف نامناسب نسبت به آنها (حرعاملی، ج ۱۵)؛ احترام به فرزند و با نیکو صدا زدن و گفتگوی محترمانه (مجلسی، ج ۱۰۱، ص ۹۵). همچنین در جهت بهبود ارتباط و کاهش تعارض در خانواده اسلام اشاره به این حق در قبال والدین می‌کند که فرزندان لحن و آهنگ صدای آنان در مقابل والدین، آرام و پایین‌تر (حرعاملی، ج ۱۵، ص ۱۸۲) از آنها و در عین حال مهربانانه باشد. هر گونه آزار و پرخاشگری لفظی نسبت به والدین ناشایست اعلام گردیده تا آن‌جا که در قرآن به فرزندان توصیه شده است حتی از گفتن لفظ «اف» (که در زبان عربی کم‌ترین مراتب تندی در گفتار است) بپرهیزند (اسراء، ۲۳) و با آنها با احترام و بزرگووارانه سخن گویند. یک توصیه تربیتی در مورد والدین این است که آنها را با نامشان صدا نزنند، بلکه با کلماتی مانند «مادر» یا «پدر» به آنها خطاب کنند (حرعاملی، ج ۱۵، صص ۲۷۱ و ۲۲۰).

با توجه به اینکه یکی از راه‌های حل تعارض مذاکره و گفتگوی بین طرفین تعارض است با رعایت حقوقی که اسلام در زمینه روابط والدین و فرزندان است می‌توان از اختلافات و تعارضات در خانواده کاهش داد این همسو با پژوهش‌های لیجتن (۲۰۱۲)، رابین^۱ (۲۰۰۷)، پراتا^۲ (۲۰۰۶)، الگو^۳ (۲۰۰۵)، ودادیان و همکاران (۱۳۹۰)، گیتی پسند (۱۳۸۷)، شمعی زاده و

1. Robin, A.
2. Prata, P.L
3. Algou, A.

همکاران (۱۳۸۷)، بیانی (۱۳۸۷)، ظهراپی (۱۳۸۵)، مرادی و ثنایی (۱۳۸۵) است که به بهبود روابط با روش گفتگوی مؤثر در کاهش تعارضات در خانواده اشاره دارند.

فرضیه: آموزش آگاهی از حقوق متقابل والد- فرزند از دیدگاه آموزه‌های اسلامی بر افزایش مهارت استدلال در نوجوانان دختر مؤثر است.

تفسیر و تبیین: یکی از مشکلات در روابط خانوادگی یک طرفه بودن ارتباط و تحکم و تسلط یکی از اعضای خانواده است باید به نوجوان اجازه داده شود تا به صورت منطقی با مسائل برخورد کند، اینکار مستلزم برخورد منطقی و درست والدین با آنهاست بدون وجود یک رابطه منطقی و درست در رفتار والدین و نوجوان، زندگی برای دو طرف تحمل ناپذیر و سخت خواهد شد.

پدر و مادر اولین کسانی هستند که بنیاد شخصیت سالم نوجوان را می‌گذارند. معمولاً والدین، نوجوان خود را به صورت کودک می‌نگرند. مثل اینکه گذشت زمان تغییری در او نداده است. در نتیجه نوجوانان در مقابل تحکم و دستورات والدین مقاومت می‌کنند، درک نکردن نوجوانان باعث کشمکش بین آنان و والدین می‌شود. نوجوانان به خود حق می‌دهند که در مسائل مربوط به خانه و خانواده اظهار نظر کنند و افکار و عقاید و اعمال اعضای خانواده خود را مورد سؤال قرار دهند. شیوه تربیتی والدین نیز به نوبه‌ی خود اثری عمیق بر رفتار فرزندان دارد. در خانواده‌های مستبد تعارضات زیاد و بسیار شدید و خشن‌اند، در حالی که در خانواده‌های آسان گیر تعارضات بسیار کم و خفیف‌اند. خانواده‌های مقتدر وضعیت خاصی دارند؛ در این خانواده‌ها یا تعارض بسیار کم و خفیف است یا تعارض با وجود آن که زیاد پیش می‌آید اما شدت و حدت زیادی ندارد و به خوبی حل و فصل می‌شود (سمتانا، ۱۹۹۵). در بحث نظری، هورنای عقیده داشت که نیروهای اجتماعی در کودکی، بر رشد شخصیت تأثیر دارند، و مهم‌ترین رابطه اجتماعی، ارتباط بین والدین و کودک است. آدلر به اهمیت نقش مادر به عنوان اولین شخصی که کودک با او در تماس قرار می‌گیرد، اشاره کرده است. رفتار مادر می‌تواند پرورش‌دهنده یا مانعی برای رشد علاقه اجتماعی در کودک باشد. مادر باید همکاری،

مصاحبت و جرأت را به کودک بیاموزد تا کودک بتواند در تلاش برای کنار آمدن با درخواست‌های زندگی جرأت‌مندانه عمل نماید. اریک برن اشاره می‌کند شیوه‌های سالم والدینی سبب می‌شود که کودک از خود و دیگران تصور مثبتی داشته باشد: من خوبم، تو خوبی. اما شیوه‌های منفی تربیت والدین، کودکان را به نگرش منفی سوق می‌دهد: (من خوبم، تو خوب نیستی). از طرفی متون اسلامی در زمینه تربیت فرزند اشاره به سه دوره تربیتی داشته است و از دوره نوجوانی به عنوان دوره مشورت و وزارت یاد می‌کند و اشاره دارد به اینکه یکی از شیوه‌های تقویت عزت نفس در کودکان و نوجوانان مشورت کردن با آنهاست. هرگاه شخصی مورد مشورت قرار بگیرد از اینکه مورد توجه قرار گرفته و نوع تفکر و اندیشه‌هایش برای دیگران مفید است احساس فرح و شادی می‌کند. از منظر فرهنگ و حیاتی اسلام نوجوانانی که به حد بلوغ می‌رسند به عنوان وزیر و مشاور پدر و مادر محسوب می‌شوند و نه تنها خواسته‌ها و اندیشه‌های آنان را باید مورد توجه قرار داد بلکه از نظرات مفید و سازنده آنان باید بهره گرفت. با توجه به دوره بحرانی نوجوانی رعایت کردن این حق توسط والدین می‌تواند مهارت استدلال را در نوجوان افزایش دهد و از میزان بروز اختلاف در روابط کاسته شود. همچنین حق احترام و اطاعتی که در اسلام برای والدین در نظر گرفته شده است و بر فرزندان لازم است که این حقوق را رعایت کنند باعث می‌شود که فرزندان در بسیاری از کارهای خود با والدینشان مشورت کنند و نظرات آنها را محترم شمرده و از آنها اطاعت کنند و دامنه اختلافات در خانواده را کاهش دهند.

این یافته همسو با پژوهش صفورایی (۱۳۸۹) است که اشاره دارد به اینکه رعایت حقوق در خانواده به کارآمدی روابط کمک می‌کند و همچنین نتایج همسو با پژوهش‌های لارسون و هاپر^۱ (۲۰۱۰)، براون و وایت ساید^۲ (۲۰۰۸)، دیکسون، گریبر و بروکس گان^۳ (۲۰۰۸)،

-
1. Larson, J., H. & Harper, J.M
 2. Brown, A.M. & Whiteside, S.P.
 3. Dixon, S.V., Graber, J.A. & Brooks-Gunn, J.

گلدشتاین^۱ و همکاران (۲۰۰۷)، میلر، لوییز^۲، همکاران (۲۰۰۶)، فیفنز، کلابرنت، راتور^۳ (۲۰۰۵)، پریت چیکووا، کازدین^۴ (۲۰۰۴)، کزدا^۵ و همکاران (۲۰۰۴)، نظامی (۱۳۸۸)، تهرانی دوست و همکاران (۱۳۸۷)، دستجردی (۱۳۸۳) است که اشاره دارند به اینکه شیوه‌های رفتاری و تربیتی والدین در بروز نافرمانی نقش دارند.

فرضیه: آموزش آگاهی از حقوق متقابل والد-فرزند از دیدگاه آموزه‌های اسلامی بر کاهش پرخاشگری کلامی در نوجوانان دختر مؤثر است.

تفسیر و تبیین: افراد خانواده به شیوه‌های مختلفی به حل تعارض می‌پردازند. شیوه‌های ناکارآمد منجر به تعارض مخرب در بین اعضای خانواده می‌شود. تعارض زمانی مخرب است که باعث نابودی ارزش فردی و دو قطبی شدن افراد در حوزه همکاری بین فردی و منجر به افسردگی در والدین و فرزندان، خشونت، درخودماندگی اجتماعی، مصرف مواد مخدر و الکل، پرخاشگری در خانواده، عزت نفس پایین در فرزندان، و کاهش توانایی سازگاری در مدرسه شود (مک کوی، ۲۰۰۹). اما اگر اعضای خانواده به شیوه‌ی درستی با تعارض برخورد کنند، تعارض به نحوه‌ی درستی مدیریت می‌شود. همان‌طور اشاره شد یکی از راه‌ها استفاده از روش گفتگو و مصالحه بین افراد است و می‌توان گفت که سخنان محبت‌آمیز، دلربا و دارای بار عاطفی مثبت تا عمق جان مخاطب تأثیر می‌گذارد و با ایجاد محبت در قلب وی او را به سوی گوینده جذب می‌کند. پدر و مادری که در به کارگیری الفاظ و عبارات خود، کمال ادب و عفت را رعایت می‌کنند، در منظر فرزندان عزیز و مکرم بوده و دیگران نیز به آنان به دیده‌ی احترام می‌نگرند. در حقیقت رعایت ادب، عفت و داشتن صمیمیت در گفتار ناشی از کرامت نفس گوینده است و در تحکیم روابط گوینده و مخاطب تأثیر فراوان دارد و گاهی

1. Goldstein, L. H., Harvey, E. A., & Friedman-Weieneth, J. L
2. Miller-lewis, L. R.,
3. Pfiffner, L. J., McBurnett, K., Rathouz, P. J., & Judice, S
4. Perepletchikova, F., & Kazdin, A. E.
5. Calzada, E. J

مشکلات روحی فرزندان را همین کلمات مهرآمیز درمان می‌کند. از طرفی در متون دینی مشاهده می‌شود که در زمینه حقوق فرزندان اشاره به نام نیک برای فرزندان، سلام کردن به فرزندان، حفظ شخصیت آنها در جهت بهبود روابط کلامی شده است. همچنین اشاره به بزرگی مقام والدین و اینکه فرزندان لحن و آهنگ صدای آنان در مقابل والدین، آرام و پایین‌تر (حرعاملی، ج ۱۵، ص ۱۸۲) از آنها و در عین حال مهربانانه باشد. که با رعایت این حقوق از پرخاشگری کلامی در بین والدین و فرزندان کاسته می‌شود. و این همسو با پژوهش‌هایی است که اشاره دارند به اینکه شیوه‌ی سازنده در حل تعارض گفتگو و مصالحه است: لیجتن (۲۰۱۲)، علی.ن.م (۲۰۱۰)، وان دورن (۲۰۰۸)، دوشن^۱ (۲۰۰۴).

فرضیه: آموزش آگاهی از حقوق متقابل والد- فرزند از دیدگاه آموزه‌های اسلامی بر کاهش پرخاشگری فیزیکی در نوجوانان دختر مؤثر است.

تفسیر و تبیین: معمولاً می‌توان گفت نوجوانی که دست به نافرمانی و پرخاشگری می‌زند، از خانواده‌هایی هستند که دارای والدین آزارگری می‌باشند که فاقد مهارت‌های کنار آمدن مؤثر با فرزندان‌شان هستند. بنابراین چرخه‌ای از تعاملات رفتاری خشونت آمیز به جریان می‌افتد، به این صورت که استفاده والدین از تنبیه بدنی، احتمال رفتارهای پرخاشگرانه و نافرمانی را در کودک افزایش می‌دهد و این خود باعث تعارض بیشتر می‌گردد (مرادی، ثنایی، ۱۳۸۵). زمانی که اعضای خانواده، به تأثیر گفتگو و ارتباط درست با رعایت حقوق یکدیگر در حل مشکلات پی برده و از آن جهت کاهش تعارضات بهره می‌برند، پرخاشگری فیزیکی کمتری گزارش می‌نمایند. در اسلام نیز به عنوان یکی از حقوق والدین اشاره شده است که فرزندان کمترین اهانتی به پدر و مادر خود نداشته باشند. نتایج این یافته پژوهشی با پژوهش‌های اختیاری (۱۳۸۵)، بکتاش (۱۳۸۴) و زابلی (۱۳۸۳) همخوانی دارد. همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود پرخاشگری فیزیکی در پیش‌آزمون گروه آزمایش و کنترل بسیار کمتر از میانگین نمره پیش‌آزمون سایر مؤلفه‌های تعارض است. این بدان است که پرخاشگری فیزیکی دختران

1. Dowshen, S

قبل از مداخله بالا نبوده است. نشان دهنده این است که به لحاظ فرهنگی در جامعه ایران دختران زمینه بروز و رشد پرخاشگری فیزیکی کمتری نسبت به پسران دارند. پژوهش اکبری (۱۳۸۱) نشان داد که میزان پرخاشگری فیزیکی در پسران چهار برابر بیشتر از میزان پرخاشگری فیزیکی در دختران است.

بنا به نتایج و شواهد یاد شده می‌توان گفت که آموزش آگاهی از حقوق متقابل والد-فرزند از دیدگاه آموزه‌های اسلامی به والدین و فرزندان در کاهش تعارض و بهبود روابط نوجوانان با والدین مؤثر است. براین اساس پیشنهاد می‌شود مشاوران در زمینه مشکلات ارتباطی والدین و فرزندان به تشکیل جلساتی با محوریت آگاهی از حقوقی که هریک از اعضای خانواده نسبت به یکدیگر دارند، پردازند. همچنین کلاس‌هایی در قالب دوره‌های ضمن خدمت جهت آموزش حقوق والدین و فرزندان در اسلام به معلمان و مشاوران آموزش و پرورش تشکیل گردد؛ تا از این طریق به والدین و فرزندان انتقال یابد و پژوهش‌های بیشتری در این زمینه در سایر مقاطع و پایه‌های تحصیلی و با شرکت همزمان والدین (پدر و مادر) و دختران و پسران نوجوان انجام شود.

منابع فارسی

- احمدی، احمد. (۱۳۸۲). *روان‌شناسی نوجوانان و جوانان*. اصفهان: انتشارات مشعل.
- اختیاری، راضیه. (۱۳۸۵). *اثربخشی آموزش مهارت‌های شناختی-رفتاری به مادران در بهبود روابط با دختران نوجوانشان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی اکبری، ابوالقاسم. (۱۳۸۱). *مشکلات نوجوانی و جوانی*. چاپ دوم، تهران: انتشارات ساوالان.
- باباپور خیرالدین، جلیل. (۱۳۸۵). *بررسی رابطه بین شیوه‌های حل تعارض ارتباطی و سلامت روان‌شناختی دانشجویان*. فصلنامه علمی پژوهشی روان‌شناسی دانشگاه تبریز. سال اول، شماره

- بکتاش، ماری. (۱۳۸۴). اثرگروه مواجهه در حل تعارضات مادرها و دخترهای ۱۶-۱۵ ساله تهرانی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه خاتم
- بیانی، بیتا. (۱۳۸۷). بررسی اثربخشی درمان راه‌حل‌مدار به شیوه گروهی بر کاهش تعارضات والد-فرزندی (مادر- دختر) در نوجوانان. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، رشته مشاوره. دانشگاه علامه طباطبایی.
- پاک نیا، عبدالکریم. (۱۳۸۲). حقوق متقابل والدین و فرزندان. قم: کمال الملک.
- تهرانی دوست، مهدی؛ شهریور، زهرا؛ محمودی، جواد؛ و علاقبند، جواد. (۱۳۸۷). تأثیر آموزش تربیت سازنده فرزندان در کاهش مشکلات رفتاری کودکان. مجله روانپزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران. سال چهاردهم، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۷.
- ثنایی ذاکر، باقر. (۱۳۷۹). مقیاس سنجش خانواده و ازدواج. تهران: بعثت.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۹۹۱). وسائل الشیعه، تحقیق عبدالرحیم ربانی شیرازی، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- دستجردی، رضا. (۱۳۸۳). مبانی روان‌شناختی تعارض با والدین از دیدگاه نوجوانان مقطع متوسطه شهر بیرجند. نخستین کنگره سراسری آسیب‌شناسی خانواده.
- روح افزا، ف. (۱۳۹۰). مقایسه خانواده در اسلام و غرب. اندیشه‌های راهبردی، زن و خانواده. دبیرخانه نشست اندیشه‌های راهبردی، تهران: پیام عدالت.
- زابلی، پ. (۱۳۸۳). سنجش سودمندی روش روان‌نمایشگری در بهبود مهارت‌های رفع تعارض دختران با مادران دانش‌آموز سال اول دبیرستان منطقه ۲ تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خاتم.
- زارب، ژانت. م. (۱۳۸۳). ارزیابی و شناخت- رفتاردرمانی نوجوانان. ترجمه م. خدایاری فرد وی. عابدینی، چاپ دوم، تهران: رشد.
- سالاری فر، محمدرضا. (۱۳۸۵). خانواده درنگرش اسلام و روانشناسی. چاپ هشتم، تهران: انتشارت سمت، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- سامانی، سیامک؛ فولادچنگ، مهدی. (۱۳۸۵). روان‌شناسی نوجوانی. نشر: ملک سلیمان. شیراز

- سپهری، صفورا، پاکدامن، شهلا. (۱۳۸۹). الگوهای ارتباطی خانواده و تعارضات فرزندان و والدین. مجله روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی. جلد ۱، شماره ۲.
- شماعی زاده، پروین؛ احمدی، احمد. (۱۳۸۷). با عنوان تأثیر آموزش منظم والدین بر روابط خانوادگی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان متوسطه اصفهان. فصلنامه دانش و پژوهش در علوم تربیتی دانشگاه آزاد واحد خوراسگان (اصفهان). شماره ۱۷ و ۱۸: صص ۱۶۵-۱۸۶.
- صفورایی پاریزی، محمدمهدی. (۱۳۸۹). نقش حقوق در کارآمدی خانواده از دیدگاه اسلام. فصلنامه معرفت. سال نوزدهم، شماره ۱۵۴، مهر ۸۹: ص ۶۹.
- ظهیری اصل، محمد. (۱۳۸۵). تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر میزان تعارضات دانش‌آموزان پسر با والدینشان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم و تحقیقات واحد اهواز
- گیتی پسند، زهرا؛ آرین، خدیجه؛ و کرمی، ابوالفضل. (۱۳۸۷). اثربخشی درمان راه‌حل‌مدار بر کاهش تعارضات والد-فرزندی در نوجوانان دختر. فصلنامه علمی-پژوهشی انجمن مشاوره ایران. جلد ۷، شماره ۲۷، پاییز ۱۳۸۷.
- لطفی، بهناز. (۱۳۸۵). تأثیر آموزش مهارت‌های هوش هیجانی بر کاهش تعارضات والد-فرزند دختران نوجوان کرمانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- مرادی، امید؛ ثنایی، باقر. (۱۳۸۵). اثربخشی مداخلات خانوادگی درمانی ساختاری به شیوه گروهی بر تعارضات زناشویی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبائی.
- نظامی، مهدی. (۱۳۸۸). اثربخشی آموزش شیوه‌های فرزندپروری بر راهبردهای حل تعارضات فرزندان و والدین، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز.
- ودادیان، زهرا؛ قنبری هاشم‌آبادی، بهرام؛ و مشهدی، علی. (۱۳۹۰). بررسی اثربخشی گروه درمانی چند خانوادگی بر حل تعارضات والدین و فرزندان و کاهش پرخاشگری نوجوانان شهر مشهد. فصلنامه مطالعات روانشناسی بالینی. شماره چهارم، سال اول، پاییز ۹۰، ص ۲.

منابع لاتین

- Algo. A(2005). *A relational account of gratitude: A positive emotion that strengthens interpersonal connections*, unpublished Doctoral Dissertation. University of Virginia

- Ali , N.M , B.Sc., M.Ed(2010). *Enhancing Transformative Mediation To Address Family Conflict*. A dissertation submitted to the Graduate School in partial fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of philosophy. Major Subject : Counseling Psychology . New Mexico State University , Las Cruces, December 2010(UMI Number : 3448964)
- Branje , S & Doorn , M & Valk , I & Meeus , W (2009) . Parent ° adolescent conflicts , conflict resolution types , and adolescent adjustment. *Journal of Developmental Psychology* 30
- Brown, A.M. & Whiteside, S.P. (2008). Relations among perceived parental rearing behaviors, attachment style, and worry in anxious children. *Journal of Anxiety Disorders*,22(2), 263-272.
- Calzada, E. J., Eyberg, S. M., Rich, B., & Querido, J. G. (2004). Parenting disruptive preschoolers: experiences of mothers and fathers. *Journal of abnormal child psychology*, 32(2), 203-213.
- Dixon, S.V., Graber, J.A. & Brooks-Gunn, J. (2008). The roles of respect for parental authority and parenting practices in parent-child conflict among African American, Latino, and European American families. *Journal of Family Psychology*, 22(1), 1-10.
- Dowshen, S(2004). Sibling rivalry . [http://:Kids health.org](http://Kids health.org)
- Goldstein, L. H., Harvey, E. A., & Friedman-Weieneth, J. L. (2007). Examining subtypes of behavior problems among 3-year-old children, part 2: investigating differences in parenting practices and parenting stress. *Journal of child psychology*. 35, 125-136.
- Kim , J (2011) . *Patterns of Parent-Child Relationship Quality, Parent Depression and Adolescent Development Outcomes*. A dissertation submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of philosophy. University of Washington (UMI Number : 3485591)
- Kiralp , Y & Dincyurek , S & Beidoglu , M (2009) . *Determining the conflict resolution strategies of university students Procedia Social and Behavioral Sciences* 1 (2009) 1205-1214
- Larson, J ,. H . & Harper,J.M (2010). Implicit family process rules and adolescent psychological symptoms. *The American journal of family* .
- Lejten , P & Overbeek , G & Janssens , J (2012) .Effectiveness of a parent training program in (pre) adolescence : Evidence from a randomized controlled trial. *Journal of adolescence* 35 (2012) 833-842
- McCoy, K, Cummin, E. M & Davies, P.T(2009). Constructive and destructive marital conflict ,emotional security, and children's prosocial behavior. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*,50(3), 270-279
- Miller-lewis, L. R., Baghurst, P.A., Sawyer, M. G., Prior, M. R., Clark, J. J., Arney, F. M., & Carbone, J. A. (2006). Early childhood externalizing behavior problems: child, parenting, and family-related predictors over time. *Journal of abnormal child psychology*, 34, 891-906.830.
- Mogler, C. (2009). *The physical, cognitive, social, personality, moral and faith development of adolescence*. English: Sprache.

- Olweus, D. (1993). *Bullies on the playground: The role of victimization*. In *hurt CH*.(ed), children on playground, Albany: State University of New York Press Psychology, 85-128.
- Perepletchikova, F., & Kazdin, A. E. (2004). Assessment of parenting practices related to conduct problems: development and validation of the management of children's behavior scale. *Journal of child and family studies*, 13(4), 385-403.
- Pfiffner, L. J., McBurnett, K., Rathouz, P. J., & Judice, S. (2005). Family correlates of oppositional and conduct disorders in children with attention deficit/hyperactivity disorders, *journal of abnormal child psychology*, 33(5), 551-563.
- Prata, P.L. (2006). *Mother-adolescent conflict and relationship Quality in Youth with and without Behavior problem*. Florida Atlantic university.
- Robin, A. (2007). *A controlled evaluation of problem-solving communication training with parent-adolescent conflict*. Behavior therapy. vol 19(5):593-609.
- Smetana, J. (1995). *Parenting styles and conceptions of parental authority during adolescence*. Child development, 66, 299-316.
- Turner, K. M., Richard, M., & Sander, M. R. (2007). *Journal of Paediatrics and child Health*. 43(6) : 429-443
- Van Ryzin, M & Stromshak, E & Dishion, T (2012). Engaging Parents in the Family Check- Up in Middle School: Longitudinal Effects on Family Conflict and Problem Behavior Through the High School Transition. *Journal of Adolescent Health* 50 (2012) 627-633